

دفعہ

مجموعہ سرمدیہ / طبع سنہ ۱۳۹۱

www.ketab.ir

سرشناسنامه: جیناک، طاهر، ۱۳۳۷
عنوان و نام پدیدآور: بیراهه/ مجموعه سروده های طاهر جیناک
مشخصات نشر: تهران: انتشارات پلک، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۸۰ص.

شابک: ۰-۲۰۵-۲۳۵-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴

رده‌بندی کتبه: ۱۳۹۱ ب ۹ ی / ۸۰۱۱ PIR

رده‌بندی دیویی: ۸۱۶۲ / ۸۱۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۱۰۹۰۸



بیراهه

طاهر جیناک

ناشر: پلک

نوبت چاپ: اول - ۹۱

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ: عطایی فرد

صفحه‌آرایی و ویراستاری: فریده شریف‌نژاد

طراحی جلد: ویدا فرهمند

ناظر چاپ: راضیه حامدی

شابک: ۰-۲۰۵-۲۳۵-۹۶۴-۹۷۸

قیمت ۳۰۰۰ تومان

فهرست:

- ۷ به سفر می‌روم
- ۸ از کدام راه؟
- ۹ تمام راه‌ها بن بست بود
- ۱۰ بیراهه پراز نقطه چین بود
- ۱۱ به پشت سرت نگاه نکن
- ۱۲ ایستادن
- ۱۳ بازگشتم
- ۱۴ در بیراهه هیچ‌کس نیست
- ۱۵ به بیراهه باز می‌گردم
- ۱۶ هر ده قدم اتراق می‌کنم
- ۱۷ گاه آن خودم را تحقیر می‌کنم
- ۱۸ شب اول وقت خواب گفتم:
- ۱۹ بلد بیراهه می‌گوئید:
- ۲۰ هوا گرم است
- ۲۱ ردپایم را گم نکن
- ۲۲ ردپاهایش دارند محو می‌شوند
- ۲۳ در دور دست
- ۲۴ اتراق کرده‌ایم
- ۲۵ امروز حکم می‌کند
- ۲۶ یک اسب، دارد کنار بیراهه می‌چرد
- ۲۷ اسب دنبالمان می‌آید
- ۲۸ به رودخانه می‌رسیم
- ۳۰ خواب می‌بینم
- ۳۱ کنار رودخانه اتراق کرده‌ایم

- ۳۲ امروز کفش‌هایم پشت سرم جا ماند
- ۳۳ کفش‌هایم را
- ۳۴ هر روز برهنه روی خاک داغ می‌دوم
- ۳۵ مالکیت را کی از یاد می‌برم؟
- ۳۶ باور نمی‌کنم
- ۳۷ به هر طرف می‌دوم
- ۳۸ امروز قانون را نشانم داد
- ۳۹ می‌خواهم شب‌باموزم
- ۴۰ شب بلد بیراهه‌ی را سرود
- ۴۱ امروز سؤال فلسفی می‌پرسم
- ۴۲ وقتی خودش را می‌زند به آن راه
- ۴۳ خود دوم تعریف است
- ۴۴ آن گوشه خواب است
- ۴۵ بلد بیراهه کلمه را به موجود تشبیه می‌کند
- ۴۶ بلد بیراهه، تاریخ را پهن کرده روی زمین
- ۴۷ بیابان هولناک است
- ۴۸ امروز زیر آفتاب داغ
- ۴۹ حالا که هشیار شده‌است
- ۵۰ خود در پی شکار من
- ۵۱ امروز خودم را دیدم
- ۵۲ چشم‌ها و گوش‌هایم را بسته‌ام و می‌دوم
- ۵۳ خود دوم، راه‌ها را می‌شناسد
- ۵۴ بین بیل و کلنگ کدام را انتخاب می‌کنی
- ۵۵ یک روز
- ۵۶ شب خوف بیراهه مرا فروریخت

- ۵۷ آدم با زیستن خاطره‌ها را می‌سازد
- ۵۸ روز دوم غیبتش
- ۵۹ سواد یک آبادی از دور پیداست
- ۶۰ شب به خانه‌ی آدم‌های فارغ سرک می‌کشم
- ۶۱ می‌نشینم کنار خود یک مرد
- ۶۲ سحر آشفته و خسته به بیراهه باز می‌گردم
- ۶۳ خودم مثل سنگ به باهایم آویخته
- ۶۴ هنوز به بیراهه نرسیده‌ام
- ۶۵ حالا زودتر از من سوری بیراهه می‌دود
- ۶۶ به خودم می‌گویم
- ۶۷ سه روز طول می‌کشد تا پیدایش کنم
- ۶۸ آن اسب دورتر از ما می‌آید
- ۶۹ پایم شکسته است
- ۷۰ خودم برای یادگیری هول دارد
- ۷۱ باز به بیابان می‌رسیم
- ۷۲ زمان چگونه می‌میرد؟
- ۷۳ امروز سوار بر اسب شد
- ۷۴ کمرش خم شد
- ۷۵ لباس گزیده‌ها
- ۷۶ خودم را نشانده‌ام روی صندلی تماشاگر
- ۷۷ زیر کوهی که بر دوش دارد
- ۷۸ به چشمانش خیره می‌شوم
- ۷۹ خودم پا جای پای من می‌گذارد
- ۸۰ سر دیوار ایستاده‌ام